

نقد پیام نوروزی ۲۵۵۶ (۱۳۹۶) اعلیحضرت کدام پیام!

امیرفیض- حقوقدان

بیتی منتسب به فتحعلشاه قاجار است که گفته:

نشسته ام به میان دودلبرو دودلم کرابه مهر بگیرم در این میان خجلم

بنده در کمال خجلت بین دو پیام نوروزی اعلیحضرت گیر کرده ام و نمیدانم کدام اصل است و میتواند واقعا حامل منویات اعلیحضرت باشد. مثل اینکه مطلب غیرقابل انتظاری عنوان شده؛ آری به اتفاق بر آن نظر کنیم.

در یک پیام که در سایت خود اعلیحضرت پیاده شده آمده است.

((هم میهنان عزیزم- من و خانواده ام نوروز باستانی رابه همه ایرانیان در ایران و سراسر جهان شادباش میگویم. مردم کشور ما با استقامت، تمام زیبایی ابدی تاریخ و فرهنگ شکوهمند ما را در خاتمه و خارج از کشور همواره با خود حمل نموده اند (۱). * تاریخ ما فراتر از وقت است و با وجود همه سختی ها که چندین نسل بطول انجامید آمدن نوروز به ما یاد آوری میکند که آن نیز ممکن است تا دوباره بهار راه خود رابه کشور ما بازگرداند * (۲))

در پیام دیگری که اعلیحضرت قرانت فرمودند مطالبی هست که اصلا بیاناتی که در سایت ایشان آمده و در بالا به آن اشاره شد وجود ندارد و مطالبی در آن پیام قرانت شده هست که نه مفهوما و نه منطوقا هیچ ارتباطی به مفاهیم پیامشان در سایت معرفی شده خودشان ندارد.

این حساسیت چرا

این حساسیت لااقل برای بنده از این جهت بوجود آمده که پیام مختصر اعلیحضرت در سایتشان حاوی مکنونات قلبی و ایده سیاسی ایشان است که در ارایه ادبی استعاره بیان شده است و همین استعاره ساده نیز برای نگهبانان شرور و مستمگر تحریم سیاسی اعلیحضرت قابل تحمل نبوده، و آنها از خطابه پیام توسط اعلیحضرت در برنامه تلویزیونی آنرا حذف کرده اند، و برای بنده که در جریان تحقیق تحمیل تحریم فعالیت سیاسی به اعلیحضرت و محدودیتهای تحمیلی ایشان هستم بارزه مزبور بسرعت خود را نشان داد و ایجاد تکلیف کرد.

مقصود از استعاره چیست

استعاره یک ابزار هنری است در بیان مطلب و یا شعرویا تولید نثر، و آن بدان صیغه است که استفاده کننده از ابزار استعاره، عبارت و یا سخنی را بکار میگیرد که شباهت فکری و تصویری آن واژه طوری است که

شنونده را به مقصود حقیقی استفاده کننده از استعاره رهنمون میشود و تعریفی که مقبول عامه از استعاره است این است که میگویند <استعاره نامیدن چیزی است به نام و یا لفظی جز نام اصلی اش>

موارد استعاره

استعاره در اشعارشعراى فارسى زبان بسیارمتداول است؛ سعدى وحافظ بسیار، بسیار از آن استفاده کرده اند از سعدى است:

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده مارا انیس و مونس شد
که در بیت بالا ستاره ای، استعاره از معشوق است.

و یا:

ای آفتاب خوبان، میجوشد اندرونم
یک ساعتی نگنجان در سایه عنایت

آفتاب خوبان استعاره است که در این بیت متوجه شخص خاصی است که شاعرخواسته نامی از او برده باشد.

❖ استعاره در فعالیت های سیاسی ضد حکومت بسیار رواج دارد. شعرا و نویسندگان و سخنرانان برای اینکه در معرض تعقیب قرار نگیرند همواره از استعاره استفاده میکنند؛ و در عین اینکه شنوندگان و خوانندگان متون میدانند که مقصود و منظور سخنرانی کیست ولی چون صراحتاً از او نامی در میان نیست خطر تعقیب به مراتب کمتر است.

نمونه جالب وزنده ای که میتوان ارائه داد اشعار آقای محمد رضا عالی پیام و بادکوبه ای است که پیچیده در استعاره و تشبیه، به شنوندگان عرضه میشود که تمامی شنوندگان میدانند که مقصود از شعر چه شخصی است.

اجازه بدهید که با یک نمونه بحث استعاره پایان داده شود و این تحریر برود به موضوع اصلی.

در نوشته ها بکرات آمده است: <دو نفر مامور بیگانه دبیرخانه را متصرف شده، و هر طور که میخواهند بر گفتار و کردار اعلیحضرت اعمال نظر میکنند>.

عبارت بالا در حالت استعاره بیان شده است و همه کسانی که در جریان مبارزه هستند بدون آنکه نیازی باشد که گوینده نام آن دو خبیث فاسد را بر زبان آورد آنها را میشناسند.

۱- استعاره در پیام اعلیحضرت

(۱- استعاره اول)

جمله استعاریه در پیام ایشان عبارت زیر است:

تمام زیبایی های تاریخ و فرهنگ شکوهمند ما را درخاته و خارج از کشور همواره با خود

حمل نموده اند

❖ **زیبائی های تاریخ و فرهنگ شکوهمند ما** شامل چه چیزهایی است که ما درخانه و خارج ازکشور حامل آنها هستیم؟ زیبایی های شکوهمند تاریخی کشور ما در چیست؟ و فرهنگ ما ایرانیان از چه باب شکوهمند شناخته شده است؟

جواب این مهمات را کتاب ایران و فرهنگ و تمدن آن تالیف پرفسور پیروز داور داده است که نشان میدهد؛ همه تحولات فرهنگی و ساخت و ساز و استفاده از ابزار و بطور کلی در ایجاد تمدن های کهن تاریخی ایران برجسته ترین سهم در بخشیدن زندگی و آزادی به مردم جهان تا به امروز داشته است تنها این اشاره کافی است که در روزگار پادشاهی هوشنگ شاه پیشدادی بود که انواع و اقسام ابزار آهنی کشف و کندن قناب معمول شد، و جانشین هوشنگ شاه یعنی تهمورس هنر خط و نوشتن را متداول کرد و بالاخره دوران شاه جمشید بود که سرزمین ایران بزرگ و با تمدنی درخشان اداره میشد.

(همان کتاب)

در تاریخ ایران هیچ تحولی از هیچ بابت منظور شدنی نیست، الا که مخرج مشترک آن به پادشاهی و سلطنت متصل شده باشد. اگر زشتی و یا زیبایی در تاریخ و فرهنگ و اداب و رسوم کشور و مردم ما وجود داشته باشد سر رشته آن به همان موهبت خدادادی سلطنت مستقر است.

شعار خدا، شاه و میهن زماست ز فرهنگ روشنگر پریهاست

همین نوروز که یکی از پایه های فرهنگ ما ایرانیان است از یادگارهای پادشاهی هوشنگ شاه است.

آن چیزی که بنا بر پیام اعلیحضرت در خانه و خارج از کشور و یا در خطر و حذر همراه انسان است اعتقاد است و گرنه، چه چیزی را ما از فرهنگ و تاریخ کشورمان با خودمان در خارج از کشور حمل میکنیم؟ و گرنه اساسا تاریخ و فرهنگ قابل حمل و نقل نیست که هر فردی در داخل و خارج از کشور با خودش حمل کند.

ریشه دارترین اعتقادات در فرهنگ ما ایرانیان یکی اقتدا و شاه دوستی و وفاداری به شاه است که در عرض خدانشناسی و میهن پرستی آمده است و دیگری یکتا پرستی که قرنهای قبل از اسلام سیره و اساس دین ایرانیان بوده است.

کاملا درک میکنم که ما ایرانیان اکنون بجز شرمساری و تحمل خجالت در مقابل اعمال جمهوری اسلامی چیزی قادر به نمایش نیستیم ولی آن روی قضیه هم قابل پنهان کردن نیست؛ همانطور که در پیام اعلیحضرت آمده زیبایی های تاریخی و فرهنگی ما چیزی نیست که از ایرانیان جدا شدنی باشد؛ روح و فکر ایرانیان از خمیره سلطنت و وفاداری به شاه ساخته شده است، این ساخت و فنومن طبیعی در خون و روح و جان ایرانیان متمرکز است و آنجا که در پیام اعلیحضرت آمده **همواره زیبایی های تاریخ و فرهنگ ما همراه ماست** تائید همین برداشت این تحریر است.

اعلیحضرت در این قسمت از پیام خواسته اند تفاوت و احترام و منویات قلبی خودشان را در عبارت استعاره نسبت به سلطنت و تداوم آن بیان کرده باشند که متاسفانه دو عنصر پست و رذل و دست نشانده بیگانه مانع روان شدن آن شده و در خطابه ای که اعلیحضرت قرانت فرمودند این مهم حذف شده است.

(۲- استعاره دوم - بهار)

همه سختی ها که چندین نسل بطول انجامید آمدن نوروز به ما یاد آوری میکند که نیز ممکن است تا دوباره بهار راه خود را به کشورها بازگرداند.

بهار در پیام اعلیحضرت واژه استعاره است. واژه بهار در راستای استعاره موارد عدیده بسیاری دارد از جمله سپری شدن دوران جوانی را به بهار تشبیه کرده اند، در فلسفه اسلامی بهار به قیامت تشبیه شده است، ولی بطور کلی بهار در ادبیات فارسی ما دارای دو جنبه مفهومی است؛ نخست از جهت تصویر سازی شاعرانه که بسیار سابقه دار و عمومیت داشته است؛ دوم از جنبه نفسانی است که این جنبه با ورود تصوف و عرفان وارد ادبیات ایران شد، و در نتیجه مفهوم بهار مانند بسیاری از واژه ها در ذهن و زبان بزرگان ادب ما دچار دگرگونی هائی شد و در نتیجه مفهوم بهار قرین تحولات درونی و نفسانی انسان هاست، **و شاعران ما آنرا دستاویزی برای تحول درونی خود قرار داده اند.**

(بهار و تصویر سازی شاعرانه)

دستاورد

واژه بهار در پیام اعلیحضرت متوجه جنبه معنوی و نفسانی بهاری است که در تصور و خیال اعلیحضرت ظاهر شده و در عبارت دیگر دستاویزی برای تحول درونی و فکری ایشان بکار رفته است و حالت تشبیه و یا استعاره را به عهده گرفته است؛ و این تحریر به دلایلی که در ذیل ارائه میدهد استعاره بهار را به معنای دوران شکوفائی سلطنت ایران یافته است.

دلایل

۱. بطور حتم واژه بهار، در پیام اعلیحضرت متوجه و بیان کننده فصل بهار نیست (جنبه تصویری) زیرا تسلط غاصبانه جمهوری اسلامی بر کشور و ملت ما و همه سختی ها که تحمیل مردم ما شده مانع آمدن نوروز و یا بهار نشده و آمدن بهار و پایان آن یک امر طبیعی است و هیچ ارتباطی به سختی هائی که مردم ما متحمل شده اند ندارد؛ بنابراین لازم است که معنای نفسانی در معادله مزبور شاخص عمل قرار گیرد.

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

۲. واژه بهار در پیام، را نمیتوان به حساب جنبه مادی و تصویری و به حساب بهار فصلی گذاشت زیرا نخست اینکه ماهیت پیام و پیام دهنده و نیز گیرندگان پیام در حوزه کار سیاسی قابل شناخت است، نه کار رفاهی و در عبارت دیگر نمیشود گفت که مقصود و مفهوم از واژه بهار همان > بزرگ نمیر بهار میآید کمبزه با خیار میآید < است. آیا ما ایرانیان سی و چند سال است مبارزه میکنیم که بهار بیاد و کمبزه و خیار بیاید و یا مبارزه میکنیم که بار دیگر شکوفائی بهار سیاسی بر کشور ما بتابد؟

۳. بهار واژه استعاره ای است که در کلام افراد، بیان کننده هدف و خواست است که شرائط، اجازه طرح و بیان صریح آنرا نمیدهد. احمدی نژاد در نطق سازمان ملل سه بار شعار زنده باد بهار را داد، آیا مقصودش بهار فصلی بود و یا دگرگونی مورد نظر او (مقصود احمدی نژاد از بهار حضور امام زمان بوده است).

۴. بهار عربی که عنوان مشخصه برای قیامهای کشورهای عربی است، استعاره ای است که متوجه کارسیاسی یعنی تحولات و دگرگونی های عظیم سیاسی آن ملتها بود نه بهار فصلی.

۵. از جنبه نفسانی چه موردی را میتوان در پیام مشمول استعاره و جایگزین بهار ساخت، جز دوران شکوفائی ایران در مقابل دوران ظلمت و تاریکی و خشونت و فقر و ناداری؛ نام آن دوران شکوهمند با ۷۰ سال پشتوانه پیشرفت چیست جز دوران سلطنت مشروطه ایران که هم مردم دینشان را داشتند و هم سیستم حقوقی عدم دخالت دین در حکومت و قانونگذار و هم امنیت و رفاه را؟ ولی همانطور که میدانید اعلیحضرت آزادی گفتار ندارند حتی در حدی که بخواهند از طریق استعاره از واژه بهار منویات قلبی خودشان را بظهور برسانند از ایشان سلب آزادی شده است. با مزاحمت ها و سانسورهای بسیار شکننده مواجه میشوند که شده اند که آنها ملاحظه میفرمائید.

۶. عبارت **«ممکن است تا دوباره بهار راه خود را به ایران بازگرداند»** مفید استعاره بودن بهار به تداوم رژیم سلطنتی ایران است چراکه مگر فصل بهار هر سال بموقع خود وارد ایران نمیشود و بموقع خود هم تمام نمیکرد پس استفاده از واژه ها ممکن است و **«دوباره بهار به ایران بازگردد»** زائد و نامدبرانه است.

۷. ترکیب **«ممکن است»** نمیتواند در مورد فصل بهار صادق و روان باشد ولی در مورد بازگشت سلطنت و یا پایان **«همه سختی هائی که چندین نسل بطول انجامیده»** میتواند بجا و درست استعمال شده باشد.

آنچیزی که ایرانیان و هویت ملی منتظر بازگشت آن است و در بیان اعلیحضرت **«راه خود را به ایران بازگرداند»** آمده سلطنت و تداوم آن است نه فصل بهار.

۸. واژه **«دوباره»** در پیام، مترتب این مقام از معناست که چیزی که برای اعلیحضرت و ملت ایران سابقه دارد و ایرانیان انتظار بازگشت آن دوران را دارند در پیام نوروزی اعلیحضرت مطرح است. این دوران کدام است؛ آیا فصل بهار است یا استفاده از استعاره بهار برای یاد آوری و تجسم دوران شاهنشاهی ایران؟

۹. آخرین دلیلی که میتوان برای اثبات اصالت این تحریر ارائه داد همین است که این پیام که بنحوی آنها در حالت استعاره اشاراتی از منویات اعلیحضرت درباره تداوم سلطنت داشت بوسیله خدمه کشورهای بیگانه در اجرای طرح هنری پرشت و سلب فعالیت آزاد سیاسی اعلیحضرت در پیام گفتاری ایشان حذف شده است.^۱

پیام به سانسور جیان

«ای ستمگر، ستم مکن چندان که بمظلوم، کارگردد تتگ».

۱- هر دو پیام در این برگ از سایت رسمی اعلیحضرت خوانده و شنیده میشود.